

عشق را باید مانند...

مصاحبه با کتایون خوانساری (همسر شجریان)

*** از خودتان و خانواده تان برایمان بگویید.**

کتایون خوانساری: من در سال ۱۳۴۴ خورشیدی در تهران به دنیا آمدم. پدرم بنیانگذار هنرگرافیک در ایران بود. از دوران جوانی در حزب پان ایرانیست فعالیت داشت و از طرفداران دکتر مصدق بود. او از روزنامه نگاران قدیم ایران و مدیر هنری نشریه ی زن روز و کلا^۳ مرد بسیار روشنفکری بود مادر بزرگم خانم اشرف کاشانی خود از اولین زنان بازیگر تئاتر ایران بود که آثار زیادی از او به جا مانده است مادرم زمانی که فقط پانزده سال داشت نقش اول فیلم "ضربت" به کارگردانی ساموئل خاچیکیان را بازی کرد و جایزه ی بهترین بازیگر نقش زن را در فستیوال مسکو به دست آورد. او پس از ازدواج کار بازیگری را رها کرد.

من در خانواده ای که قدر هنر و هنرمند را می دانند بزرگ شدم. در تهران مدرسه ی سهیل می رفتم و در نوجوانی به همراه پدر و مادر و تنها خواهرم (گیتا) به پاریس رفتیم و پس از گرفتن دیپلم، زبان فرانسه را در دانشگاه سوربن خواندم. در سن نوزده سالگی با یک آقای ایتالیایی ازدواج کردم و از او یک دختر به نام استفانی (stefanee) دارم که اکنون با پدرش در پاریس زندگی می کند. من در پاریس به کار طراحی جواهر مشغول بودم و یک مزون جواهرات فانتزی را اداره می کردم.

*** چند ساله بودید که با استاد شجریان ازدواج کردید؟ چه مدت از این وصلت می گذرد؟**

کتایون: من در سن بیست و شش سالگی با آقای شجریان ازدواج کردم و حالا ده سال از ازدواج ما می گذرد.

*** نحوه ی آشنایی و مهرورزی با**

آقای شجریان چگونه آغاز شد؟

کتایون: من در میهمانی باشکوه بزرگداشت آقای نصرت الله کریمی که ۲۴ ساعت پس از ورودم به تهران بعد از سالها دوری ام از ایران ترتیب داده شده بود با ایشان آشنا شدم و از همان لحظات آشنایی رابطه ای خاص بین ما به وجود آمد که تا امروز ادامه داشته است.

آیپاری کرد

* عکس العمل خانواده ی شما در مقابل پیشنهاد ازدواج (با تفاوت سنی) چگونه بود؟
کتایون: من در خانواده ای روشنفکر بزرگ شدم. بعد از ازدواج نا موفقم در پاریس، ازدواج با عشق برای من و خانواده ام بسیار مهم بود. خانواده ام (به خصوص مادرم) ما را از عواقبی که این ازدواج به خصوص برای آقای شجریان (به خاطر موقعیت اجتماعی خود و فرزندانش) با خود داشت آگاه می کرد. با این همه پدر و مادرم چون با روحیه ی من آشنایی داشتند و می دانستند که کاری را که بخواهم انجام می دهم، رضایت دادند.

* ورود شما به خانواده ی آقای شجریان چگونه عکس العملی داشت؟ از رابطه ی خودتان با فرزند آن آقای شجریان بفرمایید.

کتایون: خوب همان طور که انتظار می رفت من را با داشتن خصوصیات یک دختر جوان که در پاریس بزرگ شده و آقای شجریان را که بسیار سنتی بودند، سخت پذیرفتند. در واقع من و آقای شجریان جنگ بزرگی را نه تنها با خانواده بلکه با جامعه ی سنتی ایران آغاز کردیم. او خوشبختانه هر دو در کنار هم و فقط با نیروی عشق پیروز شدیم.

سعی می کنیم که با احترام متقابل کمتر روح این گنجینه ی هنر ایران را آزرده سازیم. به هر حال برای آنها قبل از این که استاد شجریان باشد پدری با عواطف هنرمندانه و همسری ایده آل برای من هستند.

* اصولاً زندگی با هنرمندان و افرادی که شهرت فراوان دارند سخت و گاه می تواند آزار دهنده باشد؛ این برخوردها چه حسی را در شما بر می انگیزد؟

کتایون: بله، حق با شماست. مشکل ما این است که همیشه زندگی مان زیر ذره بین نگاه جامعه است و راحت نیستیم. البته من همیشه سعی دارم به یاد داشته باشم که هر هنرمندی با علاقه و توجه خاص مردم (public) شهرت پیدا کرده است و همواره



برخورد با مردم و علاقه مندان ایشان برایم جالب بوده است و از این طریق دوستان بسیار خوبی پیدا کرده ام. * الهام گرفتن از یار و دلداری همواره در آفرینش های هنری هنرمندان نقشی در اوج داشته است، آیا شما در کارهای هنری استاد شجریان نقشی داشته اید؟

کتایون: بله، من فکر می کنم که نقش من در کارهای هنری ایشان بسیار موثر بوده است، چون محیط زندگی مان را آن طور که ایشان دوست دارند فراهم و آرامش شان را حفظ می کنم. اغلب برای من شعرهای عاشقانه را با لحنی آرام می خوانند و در خلوت مان در گوشم زمزمه می کنند.

خیال در همه عالم برفت و باز آمد که از وجود تو خوش تر ندید جایی را اکنون بیشتر به دنبال شعرهای اجتماعی و سیاسی هستند.

* موسیقی اصیل و سنتی ایران را چه قدر می شناسید و اصولا اگر توجهی به آن داشتید حالا آن را چه طور می بینید؟

کتایون: من اولین نوارهای موسیقی اصیل را بعد از آشنایی با ایشان گوش کردم چون در پاریس این نوارها را در اختیار نداشتم و اصولا با نام ایشان آشنا نبودم. حالا موسیقی سنتی به ویژه با صدای ایشان برایم جایگاه خاصی دارد و سعی می کنم لااقل شنونده ی خوبی باشم و از آن لذت ببرم.

* با سازهای ایرانی آشنایی دارید؟ اصولا خودتان در زمینه ی شعرو موسیقی کاری کرده اید؟

کتایون: خیر، با سازهای ایرانی آشنایی ندارم. * ورود شما به زندگی آقای شجریان شما را در مسیری قرار داد که از این نوع موسیقی دریافتی متفاوت داشته باشید؟ خودتان چه نوع موسیقی گوش می دهید؟

کتایون: بله، خوب به خاطر دارم که همان اولین بار که به نوار ایشان گوش دادم در دنیای تازه به روی من باز شد که با آن آشنایی نداشتم. چه قدر این موسیقی با ریشه ی مادر رابطه است. ما ایرانی ها از کودکی با اشعار حافظ، مولانا و سعدی آشنا شده ایم. و از آن به بعد بارها و بارها به نوارها گوش دادم و هر بار تأثیری خاص بر من داشته است. هر کدام از نوارهای ایشان خاطره ای خاص برای من دارد. مثلا وقتی پسر من را در کانادا باردار بودم، ایشان نوار شب سکوت، کویر را ضبط می کردند.

من اصولا موسیقی خوب هر کشوری را دوست دارم. به جاز و پاپ علاقمندم و همین طور به موسیقی کلاسیک تا حدی علاقمندم. همیشه در اتومبیل با پسر من نوار چهار فصل و یوآلدی و نظیر آن را گوش می کنیم. نوارهای موسیقی سنتی را برای مواقع خاص خودش در نظر می گیرم چون باید وقت برای گوش کردن اشعار در سکوت داشته باشم.

* صدای آقای شجریان را به عنوان یک شنونده چگونه می بینید؟

کتایون: صدای ایشان برای من تأثیر مضاعف دارد. یک صدای آسمانی از یک هنرمند خاص را می شنوم که این صدا برای من آمیخته است به اعتماد به نفس و عشق به مردی که دوستش دارم.

به هر حال ایشان به علت دارا بودن شخصیتی خاص (که تأثیر مستقیم در صدایش دارد) بعد از بیش از چهل سال فعالیت هنری، مطرح ترین هنرمند در ایران است که حتی اولیای امور در ایران نیز به این امر واقف هستند.

* همسر شما آقای شجریان عموما میهماندار و یا در سفر و در تدارک برگزاری کنسرت های شان هستند. آیا شما در این زمینه ها (روابط عمومی) کمک شان می کنید؟

کتایون: خیر، بیشتر قرارها را خود ایشان می گذارند. با این که بسیار پرمشغله هستند و زندگی بسیار شلوغی داریم ولی در عین حال در این شلوغی ترتیب خاصی نیز وجود دارد. ایشان چندسالی است که برای کنسرت های خارج از کشور از مدیر برنامه آمریکایی استفاده می کنند.

* آقای شجریان برای برنامه های مختلف مجبورند که در سفر باشند؛ آیا شما در این سفرها ایشان را همراهی می کنید؟ و چگونه خودتان را با این زندگی در حرکت تطبیق می دهید؟ پسران که به مدرسه بروند این مطمئنا برایتان حتی دشوار تر هم می شود

کتایون: من به راحتی با این نوع زندگی خودم را تطبیق داده ام؛ چون خودم هم روحیه ی نا آرام و شلوغی دارم! عاشق سفر و جابه جایی هستم. تا قبل از بارداری ام تمام سفرها را با ایشان بودم ولی در یک سال تولد پسر کم تر سفر کردم ولی باز سفرها را شروع کردیم. به خاطر داشتن اقامت کانادا، بیشتر با پسر من آنجا سفر کردیم. تا حدی طرفدار جدایی های موقت از کار هستیم چون هر بار با علاقه ای بیشتر از قبل همدیگر را پیدا می کنیم.

* از خلق و خو و خصوصیات آقای شجریان و از رابطه با فرزندانشان بر ایمان بگویند. و این که با این همه برنامه های فشرده آیا ایام فراغتی برای گذراندن اوقات خصوصی برایتان می ماند؟!

کتایون: بله، ایشان همیشه معتقدند که باید عشق را مانند یک گل آبیاری کرد تا خشک نشود. چون باغبان قابلی هستند همیشه وقت برای زندگی خصوصی خود گذاشته اند.

برخلاف آن چه که می شنویم که ایشان عبوس و بد اخلاقند؛ در منزل بسیار خوش اخلاق و شوخ هستند و با رایان یا مشغول بازی و شیطنت هستند و یاب درس های موسیقی او می پردازند. ایشان در سفرها همیشه برای کارهای تفریحی و گردش پیشگام هستند.

* از انتظارات و توقعات آقای شجریان از زندگی زناشویی بگویند و این که شما چگونه خواسته های ایشان را برآورده می کنید.

کتایون: ایشان بسیار انسان کمال گرایی هستند. این را در کارنامه ی زندگی شان هم می شود دید. من از همان ابتدا به این امر پی بردم لذا در زندگی خصوصی مان هرگز مشکلی با هم نداشتم.

* از پسران بگویند و این که آیا در کار پدرش کنجکاوی می شود؟ فکر می کنید روزی راه پدر و برادرش (همایون) را پیش بگیرد؟

کتایون: پسر ما فرزند عشق است. عشق پدری در سن ۵۶ سالگی که در کمال شعور و درک و فهم از مسائل مختلف است؛ علم امروز ثابت کرده که از نظر ژنتیکی بی تأثیر در فرزند نمی باشد. او از نظر خصوصیات اخلاقی به پدرش شبیه است و مطمئنا از هنر او نیز بی نصیب نمی ماند. من شخصا معتقدم که هر هنرمند و متفکری بی مثال است. انسان هایی مثل بتهوون، میکال آنژ، خیام و شجریان و غیره هر یک در مقطع خاصی از زمان آمده اند و دیگر تکرار نمی شوند.

* کنجکاوی های بسیاری در رابطه با شما و آقای شجریان دارم و پرسش های فراوانی که می دانم خوانندگان نشریه هم دوست دارند بدانند؛ آنها را می گذارم برای فرصتی دیگر. در خاتمه با تشکر از شرکت شما در این گفت و گو و همین طور برای صراحت و صداقت در پاسخگویی به سوالاتم اگر نکته ای به نظرتان می رسد که نا گفته مانده است بیان بفرمایید، خوشحال می شویم. کتایون: با تشکر از شما.